

مبانی زیباشناختی در غزلیات زمزمه‌های م. سرشک

دکتر فاطمه مدرسی *

ساحره حقی **

چکیده

زیباشناسی، آثار هنری را با توجه به مسایل ظاهری و «برون متنی» (مهاجر - نبوی، ۱۳۸۴: ۱۶۶) می‌کاود؛ به عبارت بهتر «عده‌دار تشخیص میان حسن و قبح در اثر هنری است و در این کار بر ارکان زیبایی‌شناسی تکیه می‌کند» (رجایی، ۱۳۷۸: ۱۲۸)

آنچه در این مقال بدان پرداخته می‌شود، «زیبایی‌شناسی صور خیال در غزلیات استاد شفیعی کدکنی» است. انواع صور خیال در غزلیات شفیعی کدکنی به شیوه‌ای ماهرانه به کار رفته‌اند، که موجب زیبایی غزلیات سرشک گردیده‌اند. لذا برای پی‌بردن به اینکه چه عواملی سبب گردیده تا غزلیاتی چنان قوی و پرمایه پدید آید، لازم است که این غزلیات از رهگذر ارکان زیبایی‌شناسی کاوش گردد.

واژه‌های کلیدی: صور خیال، زیبایی‌شناسی، تشبیه، استعاره، اغراق و مبالغه

* استاد دانشگاه ارومیه

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

تشبیه

تشبیه یکی از لوازم خیال انگیزی در شعر است. از دیدگاه زیبایی‌شناسی، زیباترین تشبیهات، تشبیه معقول و محسوس به یکدیگر است؛ چون هر چه نوع طرفین تشبیه، متفاوت و مختلف باشند، پیوند میان مشبه و مشبه‌به، به نهایت کمال خود می‌رسند و هر چقدر از تنوع طرفین کاسته شود، از زیبایی تشبیه کم می‌شود. در تعریف تشبیه می‌گویند: «تشبیه مانند کردن چیزی است به چیزی، مشروط بر اینکه مانندگی بر کذب یا حداقل دروغ نما مبتنی باشد.^۱» یکی دیگر از ارکان زیبایی شناسی فاصله گرفتن از واقعیت است؛ زیرا این امر، شرط هنر است.^۲ بر مبنای این اصول و سایر ارکان زیبایی شناسی به نقد و بررسی تشبیهات در غزلیات سرشک پرداخته می‌شود.

بر کاربردترین صور خیال در دفتر زمزمه‌ها، تشبیه است. مضمون اصلی تشبیهات شفیعی در غزلیات معشوق است. سرشک در تشبیهات عاشقانه، از یک سو از طبیعت و عناصر زیبای هستی سود فراوان برده تا معشوق را در کالبد زیباترین عناصر متجلی سازد و از سوی دیگر برای بیان احساسات و حالات درونی و عاطفی خود نیز از تشبیه بهره جسته و از این رهگذر به بیان لطیف‌ترین احساسات خود پرداخته است.

زیباترین تشبیهات شفیعی، زمانی است که وی در یک مصراع، مطلب معقولی را به طریق تشبیه، در مصراع بعدی محسوس می‌کند:

ای نگاهت جاودان افروخته

شمعها، خورشیدها، مهتابها (آینه: ۱۷).

نگاه معشوق که امری انتزاعی است از رهگذر تشبیه محسوس شده است.

9:

ای طلوع بیزوال آرزو

در صفای روشن مهتابها (آینه: ۱۷).

9:

ای نگاهت خنده مهتابها
بر پرند رنگ‌رنگ خوابها (آینه: ۱۶).
شفیعی گاهی از رهگذر تشبیه مضمّر به ساختن نوعی تشبیه تفضیلی دست
می‌زند که در جای خود زیبا و مقبول افتاده است:
ناز نوشین تو و دیدار تست
خنده مهتاب در مردابها (آینه: ۱۷)
و:
در خرام نازنینت جلوه کرد
رقص ماهیها و بیج و تابها (آینه: ۱۷)
شفیعی از رهگذر تشبیه مضمّر و تفضیلی معشوق را مایهٔ زیبایی عناصر هستی
می‌داند.

روشنایی بخش چشم آرزو
خنده صبح بهارانی هنوز (آینه: ۲۰)
و:
در مشام جان به دشت یادها
باد صبح و بوی بازاری هنوز (آینه: ۲۱)
در تمام این نمونه‌ها مصراع اول و مصراع دوم مشبه به محسوس است.
سرشک در غزلیاتش، اضافه بر تشبیهات معقول به محسوس، از تشبیهات
محسوس به محسوس نیز، در زیباسازی اشعارش سود برده است. در اغلب این
تشبیهات شاعر خود یا محبوب خود را به امری ملموس از امور طبیعت مانند کرده
است؛ اموری نظیر: موج، سحر، بوته خار، مرغک آزاده، مرغکان گلشن، نسبو و... در
تشبیهاتش به چشم می‌خورند. هر چند که تشبیه محسوس به محسوس از دیدگاه
زیبایی‌شناسی حد وسط تشبیهات است، اما هنر ممتاز شفیعی در کاربرد تشبیهات،
گزینش تشبیهاتی است که یک یا چند لفظ از الفاظ سازنده آن با عناصر و صور
منفرد دیگری که، وی در طول یک تصویر شعری به کار برده، یا می‌برد، هماهنگی و

تناسب داشته باشد. به عبارت دیگر در کاربرد تشبیهات، از سازگاری و هماهنگ‌سازی صور شعری نیز چشم‌پوشی نمی‌کند؛ برای نمونه:

موجکی خردم به امید بزرگ
می‌روم تا ساحل دریای تو (آینه: ۲۲)
واژه‌های موج، ساحل و دریا با یکدیگر تناسب و هماهنگی دارند.

و:

فریادها که چون نی‌ام از دست روزگار
صد ناله هست و از لب جانان نصیب نیست. (آینه: ۳۲)
بین واژه‌های نی، ناله و لب به گونه‌ای، سازگاری وجود دارد، که یکدیگر را به ذهن مخاطب تداعی می‌کنند. تناسب و هماهنگی، یکی از ارکان زیبایی شناسی است که تشبیهات سرشک از این منظر بسیار غنی است.

استعاره

استعاره به «کاربردن واژه‌ای به جای واژه دیگر به علاقه‌مشابهت است، یا تشبیهی است که از آن فقط مشبه به، به جا مانده باشد.»^۳ به این نوع استعاره مصرحه می‌گویند. از انواع استعاره، استعاره مصرحه مجرده در غزلیات شفیعی کاربرد فراوانی دارد. باید یادآور گردید که استعاره مصرحه مجرده: «استعاره‌ای است که در کلام مشبه به با یکی از ملایمات (قرائن) مشبه (مستعار له) همراه باشد.»^۴
استعاره‌های شفیعی در دفتر زمزمه‌ها بیشتر در باب توصیف معشوق است. شاعر معشوق و مطلوب خود را در قالب زیباترین عناصر هستی متجلی می‌سازد. اما در این نوع اشعار از عناصر انتزاعی و مفاهیم و واژه‌های دیگر نیز چشم نمی‌پوشد. برای نمونه:

دیگر اکنون چه کنم زمزمه در پرده عشق
دور از آن مرغ بهشتی که هماوازم بود (آینه: ۳۵)

مرغ بهشتی استعاره از معشوق شاعر است که شاعر از امری محسوس برای توصیف محبوب استفاده نموده است. و یا:
کن خموش این دوزخ از گفتار سبز
کان زمرد دافع این ازدهاست (آینه: ۱۹)
گفتار سبز و زمرد هر دو استعاره از شعرند.
شغیعی علاوه بر استعاره مجرده برای زیباسازی غزلیاتش از اضافه‌های استعاری نیز سود بر گرفته است:

ای نگاهت خنده مهتابها

بر پرند رنگ‌رنگ خوابها (آینه: ۱۶)

خنده مهتابها استعاره از جلوه و تابندگی مهتاب است.

و:

در شب من خنده خورشید باش

آفتاب ظلمت تردید باش (آینه: ۲۵)

نکته قابل تأمل دیگر زیبایی استعاره است زیباترین استعاره‌ها صریح‌ترین آنهاست. طبعاً استعاره‌های صریح محسوسند. استعاره‌هایی که در زمزمه‌ها کاربرد فراوان دارند، امور محسوسند؛ یعنی مستعار منه در آن حسی است. هر چند استعارات شغیعی کلیشه‌ای است، اما شرایط احراز زیبایی را به خوبی کسب کرده‌اند؛ زیرا مستعار منه حسی به دلیل عینی و آشکار بودنش بمراتب بهتر می‌تواند، مستعار له خود را به ذهن مخاطب تداعی کند. برای نمونه در شعر:

چون هلالم سر شوریده به زانوی غم است

از شب تار من ای کوکب روشن باد آر (آینه: ۳۷)

کوکب روشن استعاره از محبوب است که مشبه به حسی است.

و:

ز باغبانی خود شرمسارم این بس که

چون تو دسته گلی را به دست کس بینم (آینه: ۳۲)

کنایه

کنایه‌هایی، که در دفتر زمزمه‌ها مورد استفاده شفيعی واقع شده‌اند، از نوع ایمايي‌اند. شاید یکی از دلایل مهم روی آوردن به ایما، درک سریع و ادراک لازم معنی در ایما است. تعداد بیشتر کنایات سرشک، در پی اثبات و اسناد صفتی برای چیزی و یا نفی صفتی از چیزی است. این قسم از کنایات، تقریباً همگی از نوع کنایات مکرر و کلیشه‌ای است، که گویندگان گذشته در اشعارشان به کار برده‌اند. شایان عنایت است که ایما «کنایه‌ای است که وضوح بیشتری دارد؛ یعنی وسایط اندک و ربط بین معنی اول و دوم آشکار است؛ به طور کلی رایج‌ترین نوع کنایه در ادبیات است.»^۵ نظیر:

خواستم عشق تو پنهان کنم و راه نداشت

پیش این اشک زبان بسته که غمازم بود (آینه: ۳۵)

غماز بودن: کنایه از سخن چینی کردن

و:

گردش جام چشم تو هیچ به کام ما نشد

تا به مراد مدعی همچو زمانه می‌روی (آینه: ۲۹)

به کام نشدن چیزی: کنایه از مطابق میل و آرزو نشدن آن چیز.

و:

باز از جنون عشق به گوی تو آمدم

بیگانگی مکن که به بوی تو آمدم (آینه: ۴۷).

به بوی کسی یا چیزی بودن کنایه از امید آن چیز را داشتن

اغراق و مبالغه

اغراق و مبالغه، به علت پیوند و آمیختگی آن با استعاره و تشبیه، یکی از صورتهای خیال شاعرانه محسوب می‌شود. در عین حال این مقوله به تنهایی نیز کاربرد دارد و دارای لطف خاصی است. مبالغه و اغراق یعنی: «در وصف و ستایش و

نکوهش کسی یا چیزی افراط و زیاده‌روی کنند؛ چنانچه از حد معمول بگذرد و برای شنونده شگفت‌انگیز باشد.^۶

مبالغه و اغراق معمولاً مترادف هم می‌آیند؛ «اگر آن را به درجه‌ای رسانده باشند که در عقل و عادت، ممکن و باورکردنی نباشد آن را غلو می‌گویند؛ یعنی، در اظهار عقیده و مسلکی چنان تعصب و افراط به خرج دهند که از حد عادت خارج باشد.^۷» از آنجا که مبالغه و اغراق با تشبیه و استعاره از رهگذر خیال پیوند عمیقی یافته‌اند، تحدید و جدا کردن آنها از همدیگر غیرممکن است. به عبارت دیگر، همچنان که تشبیه با استعاره، تشخیص با مجاز، مجاز با کنایه ارتباط تنگاتنگی دارد، اغراق با اساسی‌ترین ابزار خیال (استعاره و تشبیه) گره خورده است. در آثار شاعران بزرگ، مبالغه با صنایع و صور دیگری پیوند خورده، به ندرت به صورت مجزا به کار رفته است. اغراق در غزلیات سرشک، شاعرانه است و از جنبه تخیلی و هنری برخوردار است؛ چون بر پایه ابزار هنری، به ویژه تشبیه و استعاره شکل پذیرفته و تنها بر مدار نوعی ادعا نمی‌چرخد:

ناز نوشین تو و دیدار توست

خنده مهتاب در مردابها (آینه: ۱۷)

سرشک، ناز شیرین یار و دیدار و جلوه معشوق را مایه درخشندگی و طراوت مهتاب می‌داند، که بر اغراق مبتنی است.

و:

ز نقش روی تو روشن شود شبان غمش

فروغ دیده شب زنده‌دار آینه‌ای (آینه: ۴۴).

شایان عنایات است که سرشک معشوق را مایه روشنی و فروغ آینه می‌داند.

نمونه‌های دیگر از اغراق شاعرانه در غزلیات سرشک عبارتند از:

ای صفای جاودان هر چه هست

باغها، گلها، سحرها، آبها (آینه: ۱۶).

و:

ای نگاهت جاودان افروخته

شمعها، خورشیدها، مهتابها (آینه: ۱۷).

۹:

میوه‌ای شیرین‌تر از تو کی دهد

باغ سبز عشق کو بی‌منتهاست (آینه: ۱۸).

چنان که اشارت رفت، اغراق در غزلیات سرشک با صورتهای زیبا و خیال‌انگیز آمیخته است. از این روی جنبه هنری و تخیلی داشته و خود را از موضع ادعای صرف یا کذب دور کرده است. هسته اصلی اغراق در غزلیات شفیعی، تشبیه و استعاره‌اند. از دیدگاه زیباشناختی اغراق و مبالغه از شگردهایی هستند که مایه زیبایی کلام می‌شوند؛ چون هنر زیبا، باید از واقعیت فاصله بگیرد و این امر شرط لازم هنر است.

مراعات نظیر

مراعات نظیر که آن را تناسب و توفیق نیز گویند، «آن است که دو چیز یا چند چیز را که با هم متناسب باشند غیر از تناسب بر سبیل تقابل و تضاد با هم جمع کنند.»^۸

از نظر دیگر، مراعات نظیر وقتی است که «برخی از واژه‌های کلام، اجزایی از یک کل باشند و از این جهت بین آنها تناسب باشد.»^۹ بنابراین مراعات نظیر یا مواخات به کار بردن واژگانی است که از حیث جنس، مشابهت و ملازمت با هم متناسب باشند. مانند: گلها، رنگها، مظاهر محبت همچون شمع و پروانه، فرهاد و شیرین و... در غزلیات شفیعی، مراعات نظیر یکی از مهم‌ترین ابزار هنری در ایجاد ارتباط بین واژگان و تداعی معانی به هم پیوسته به شمار می‌آید. اجزا و عناصر طبیعت، مظاهر عشق و محبت، گلها و پرندگان با انعکاس گسترده خود، در شعر سرشک نوعی ارتباط و تناسب بین کلمات ایجاد کرده است، که در ذیل به چند نمونه از آن اشاره می‌شود:

صدف خالی افتاده به ساحل بودم

چون گهر زینت آغوش و کنارم نشدی (آینه: ۳۰).
کلمات صدف، ساحل و گهر با همدیگر تناسب دارند.

۹:

ای صبوحی بخش می‌خوران عشق
در شبان غم صباح عید باش (آینه: ۲۵).
صبوحی بخش و می‌خوران با هم ارتباط و تناسب دارند.

۹:

شعله آتش عشقم منگر بر رخ زردم
همه اشکم، همه آهمم، همه سوزم، همه دردم (آینه: ۳۶).
مابین کلمات اشک، درد، آه، سوز تناسب و هماهنگی وجود دارد.

مراعات نظیر به دلیل تناسب و هماهنگی‌ای، که میان عناصر شعر برقرار می‌کند، سبب زیبایی می‌گردد؛ بنابراین، مراعات نظیر همراه با تناسب و هماهنگی از مهم‌ترین ارکان و اصول زیبایی‌شناسی‌اند؛ زیرا هر یک از این عوامل به نوعی در ارتباطند و زمانی که با هم در یک اثر هنری قرار می‌گیرند، علاوه بر وحدت، باعث تداعی شدن معانی و مفاهیم سازگار و موافق می‌گردند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ایهام

ایهام، که آن را تخییل و توهیم می‌گویند، در لغت به معنی به گمان و وهم افکندن و در اصطلاح بدیع آن است که «لفظی بیاورند که دارای دو معنی نزدیک و دور از ذهن باشد و آن را طوری به کار ببرند که شنونده از معنی نزدیک به دور منتقل شود.»^۱ البته این امر به معنی اراده‌ی یکی از معانی ایهام در کلام نیست، بلکه در این صنعت معانی هم زمان به ذهن تداعی می‌شوند و مراد هر دوی آنها است. ایهام به عنوان یکی ابزارهای خیالی در شعر شفیعی، سبب توقف و درنگ ذهن در لفظ شده، نهایتاً ذهن خواننده و شنونده را از لذت هنری برخوردار می‌سازد. برای نمونه:

کاش سوی تو دمی رخصت پروازم بود
تا به سوی تو برم بال و پری بازم بود (آینه: ۳۴).
واژه باز ایهام دارد: ۱- به معنی باز و در ضمن تداعی کننده عقاب است.
و:

به امید تو چو آینه نشستم همه عمر
گرد راه تو به چشم نگرانم نرسید (آینه: ۸۵).
نگران دارای دو معنی است: ۱- منتظر و مراقب ۲- به معنی نگرنده است.

ایهام تناسب

نوعی از ایهام است که، « در آن فقط یکی از دو معنی کلام، در کلام حضور داشته باشند، اما معنی غایب با کلمه یا کلماتی از کلام رابطه و تناسب داشته باشد.^{۱۱}» در این بخش به نمونه‌هایی از این نوع ایهام در اشعار سرشک اشارت می‌رود.

داستان عشق من شیرین‌تر از فرهاد بود
گر نگفتم پاس عشق کوه کن می‌داشتم (آینه: ۸۴).
واژه شیرین ایهام تناسب دارد: ۱- شیرین بودن ۲- شیرین؛ معشوق فرهاد که به عنوان معنی غایب با فرهاد کوه‌کن تناسب دارد.
و:

من شهید تیشه فرهادی خویشم، سرشک!
از چه رو تهمت بر آن شیرین شمایل بسته‌ام (آینه: ۸۰).
شیرین در ترکیب شیرین شمایل در معنی دل‌انگیز به کار رفته، اما در معنی معشوق معروف با فرهاد تناسب دارد.
و:

تیشه را فرهاد از حسرت چو بر سر می‌زند
نقش شیرینی به طرف کوهساران گو مباش (آینه: ۷۴).

واژه شیرین ایهام تناسب دارد: ۱- شیرین بودن ۲- شیرین، معشوق فرهاد

تضاد

یکی دیگر از عواملی که مایه زیبایی اثر هنری می‌گردد، صنعت تضاد یا طباق است. تضاد «یعنی، بین معنی دو یا چند لفظ تناسب تضاد (تناسب منفی) باشد. یعنی کلمات از نظر معنی، عکس و ضد هم باشند.^{۱۲}»

یکی از مهم‌ترین ارکان زیبایی‌شناختی تضاد است؛ چون معانی متضاد نیز با هم هماهنگی می‌یابند؛ زیرا در ذهن تداعی می‌شوند؛ مثلاً، سیاهی، سفیدی را، آسمان، زمین را و نور تاریکی را تداعی می‌کند.^{۱۳} «الفاظ و واژگان متضاد در غزلیات شفيعی نوعی هماهنگی در میان اجزا پدید می‌آورند که، از منظر نقد زیباشناختی حایز اهمیت فراوانی است؛ برای نمونه در اشعار ذیل:

ما درون هودج شامیم و صبح

کاروان زندگانی می‌رود (آینه: ۲۴)

شام و صبح دو واژه متضادند.

و:

صد خزان افسردگی بودم بهارم کرده‌ای

تا به دیدارت چنین امیدوارم کرده‌ای (آینه: ۴۰)

خزان و بهار متضادند.

و:

از جنون بایدم امروز گشایش طلبید

که تو ای عقل به جز مشکل کارم نشدی (آینه: ۲۹).

عقل و جنون در تضادند.

نتیجه: همان طور که اشارت رفت سرشک در به کارگیری انواع صور خیال تبخّر خاصی دارد. او در تشبیهات، استعارات، کنایات و سایر انواع صور خیال به طبیعت گرایش دارد. «نهال دیگر زمزمه‌ها طبیعت‌گرایی «م. سرشک» است که

بعدها این نهال رشد چشم‌گیری می‌کند؛ چنان‌که ساعتها می‌توان در سایه آن نشست و از تماشای منظره‌های دل‌انگیزی که ساخته ذهن و زبان شاعرند، لذت برد.^{۱۴}»

غزلیات شفیعی بیشتر ارکان زیبایی‌شناسی چون تناسب، توازن، تکرار، تضاد و... برخوردار است. بهره‌گیری مناسب و استادانه وی از این عوامل باعث ایجاد زیبایی خاصی در مجموعه غزلیات وی گشته است؛ به گونه‌ای که آنها را از غزلیات معاصران وی ممتاز نموده و برجستگی ویژه‌ای بدان بخشیده است. در پایان باید یادآور گردید که: «از توانایی شفیعی در تصویرپردازی و زبان‌ورزی و قافیه‌گذاری نمی‌توان به آسانی گذشت.^{۱۵}»



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشتها

- ۱- شمیسا، ۱۳۷۹: ۶۷.
- ۲- رجایی، ۱۳۷۸: ۲۶.
- ۳- شمیسا، ۱۳۷۹: ۱۵۷.
- ۴- شمیسا، ۱۳۷۹: ۱۵۷.
- ۵- شمیسا، ۱۳۷۹: ۲۷۱.
- ۶- همایی، ۱۳۷۷: ۲۶۲.
- ۷- همایی، ۱۳۷۷: ۲۶۲.
- ۸- رجایی، ۱۳۷۸: ۳۴۱.
- ۹- شمیسا، ۳۷۱: ۸۷.
- ۱۰- همایی، ۱۳۷۷: ۲۶۹.
- ۱۱- شمیسا، ۱۳۷۱: ۱۰۲.
- ۱۲- شمیسا، ۱۳۷۱: ۸۹.
- ۱۳- رجایی، ۱۳۷۸: ۳۱.
- ۱۴- زرقانی، ۱۳۸۳: ۵۷۱.
- ۱۵- عابدی، ۱۳۸۱: ۴۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ۱- بشر دوست، مجتبی؛ ۱۳۷۹، در جستجوی نیشابور، تهران، ثالث و یوشیج.
- ۲- رجایی، محمدخلیل، ۱۳۷۲، معالم البلاغه، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه شیراز.
- ۳- ریما مکاریک، ایرنا؛ ۱۳۸۴، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهران مهاجر - محمد نبوی، چاپ اول، انتشارات آگاه.
- ۴- رزقانی، سید مهدی؛ ۱۳۸۳، چشم‌انداز شعر معاصر فارسی، تهران: نشر ثالث با همکاری انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- ۵- شفیعی کدکنی، محمدرضا (م. سرشک)؛ ۱۳۷۶، آینه‌ای برای صداها، چاپ اول، تهران، سخن.
- ۶- شمیسا، سیروس؛ ۱۳۷۹، بیان، تهران: فردوس.
- ۷- شمیسا، سیروس؛ ۱۳۷۱، نگاهی تازه به بدیع، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فردوس.
- ۸- عابدی، کامیار؛ ۱۳۸۱، در روشنایی بارانها: تحلیل و بررسی شعرهای محمدرضا شفیعی کدکنی (م. سرشک) تهران: کتاب نادر.
- ۹- غریب، رز؛ ۱۳۷۸، نقد بر مبنای زیباییشناسی و تأثیر آن در نقد عربی، ترجمه دکتر نجمه رجایی، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، موسسه چاپ و انتشارات.
- ۱۰- همایی، جلال‌الدین؛ ۱۳۷۷، فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ هفتم، تهران، موسسه نشر هما.